

# کشور ویرانه ، مردم کرسنه و...

{استاد - صباح}



باز هم من و...

«اگر با دیدن هر بیعدالتی

پر خشم و قهر شوی

رفیق من هستی.»

چه گوارا

باز این دل از غمی دیرینه لبریز است  
باز میلرزد شاخه های بیدی سرگردان  
باز میریزد فرو بر چهره ام باران  
باز رنجورم خداوندا پریشانم  
باز میبینم که بی تابانه گریانم  
باز این دنیا غم انگیز است  
بهار در دهکده ما پاییز است

میدانی بهار پائیز است و مرگ شرافتها.

بیاید بر ضد چپاولگران برخیزیم



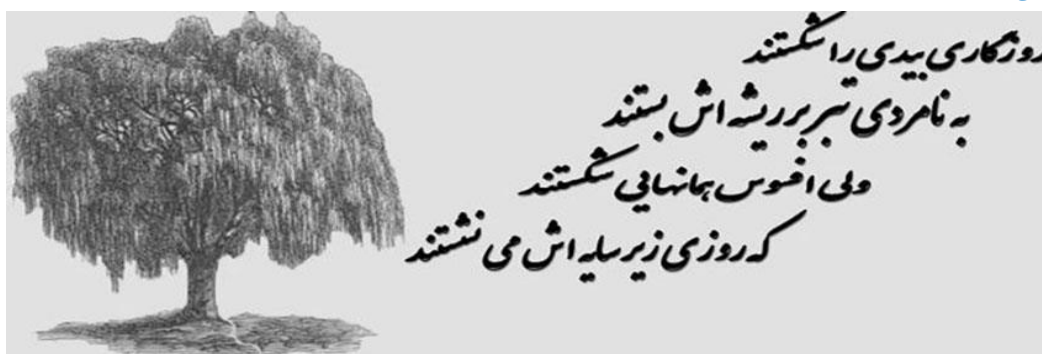
من اگر برخیزم، تو اگر برخیزی، همه بر می خیزند.

کنفوسیوس: در این غم نباشید که چرا به فلان مقام نرسیده اید. در این فکر باشید که آیا لیاقت آن مقام را دارید. از این غم نخورید که چرا مشهور نیستید بلکه بکوشید تا شایسته شهرت شوید.

مرد بزرگ بفکر صفات خویش است و مرد پست بفکر جاه خود، اولی از اشتباه و خطای خویش می ترسد و دومی از بی مهری دیگران.

مرد بزرگ در جستجوی حق است و مرد پست بدنبال منفعت.

من هر روز از سه جهت در خود می نگرم اول آنکه آیا در رفتار با دیگران از حکم وجدان سرنمی تابم؟ دوم آنکه آیا با دوستان از راه صدق و صفا بیرون نمی روم؟ سوم آنکه در هدایت دیگران آیا خود بخلاف آنچه تعلیم میدهم عمل نمی کنم؟  
آدم های وطن ما



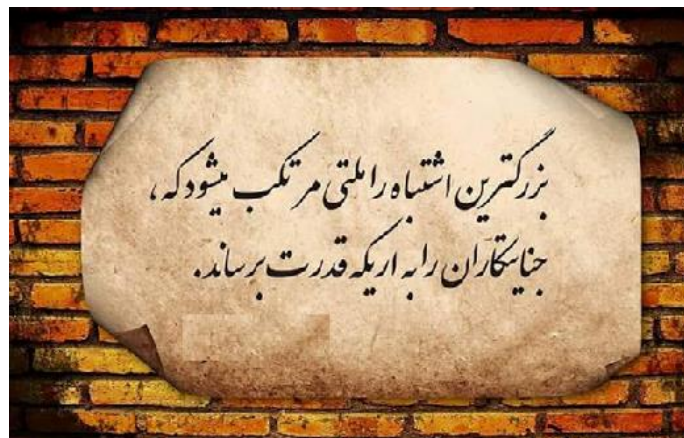
در اجتماع کنونی، آدمهای را می یابیم که متاسفانه با گذاشتن يك نقاب دروغین بر چهره واقعی خود و یا نقش بازی کردن، در کنار واقعیت ها زندگی میکنند! اما این نقاب همواره از چهره واقعی آنان برداشته میشود، چرا که چهره واقعی زیر نقاب بالاخره روزی خود نمایی خواهد کرد و حقیقت روشن خواهد شد. همچنین فردی که با شخصیت دروغین خود، زیر نقاب زندگی میکند، تنها کسی است که واقعیت امر را بخوبی میداند و از آن آگاهی کامل دارد. البته هر قدر فرد بتواند استادانه تر عمل کند، شاید بتواند خود را پنهان دارد و مردم را کماکان بفریبد! چرا که فرد تا آخرین لحظات حیات خود زیر نقاب خویش، به ایفای موفق نقش مشغول است. و این توفیق کاذب، برای او پاداشی به حساب میاید و همواره شاید برای آنان نوعی مفهوم داشته باشد، اما از نظر عموم انسانها، چنین زندگی به مفهوم واقعی زنده بودن و زندگی کردن نیست. آنان با دیگران پیوندی ندارند. آنان تنها هستند و تنها میمانند! انسانهای جفنگ که در ظاهر خود را چیز فهم میدانند اما عادت دارند، بیش از اینکه گوش دهند، صحبت میکنند. خود را وارد هر گفتگویی میکنند که با توسل به دروغ هم که شده خود را مطرح می سازند. اینان تحمل پذیرش اشتباهات خود را ندارند. خود را همواره حق به جانب میدانند. آنها پیشنهادات را رد میکنند، چرا که پذیرش آنها را نوعی فرودستی میدانند.

یکم دهه چپاولگری



در طول پانزده سال گذشته تقریباً همه کمک های خارجی فقط در کیسه ی اطرافیان و کابینه کرزی و احمدزی فرو رفت و با همین پول هاست که صلاح الدین ربانی، یونس قانونی، برادران کرزی و فهیم، رسول سیاف، خانواده مجددی و گیلانی، رحیم و فاروق وردگ، قاضی قضاوت و لوی څارنوال، احدی و زاخیلوال، وزیران و والیان، دبل عبدالله و امرالله صالح، گل آغا شیرزی و وارثین حاجی قدیر، اسد الله خالد و بسم الله محمدی، عطا محمد والی بلخ و حاجی نبی و کامگار شریک پیدا و پناهش، انوری و شیخ آصف محسنی، سفیرانی و ابسطه به حامد کرزی اشرف احمدزی، ملا تره خیل، الله گل مجاهد و دیگران یکباره صاحب ملیاردها دالر، شهرک های خصوصی و بلدینگ ها و شرکت های تجاری گردیدند و هر کدام خود را قدرت های مستقل در کشور میدانند و هیچ نیروی قادر به کنترل آنها نیست. همچنان بیشترین پروژه های بازسازی، امنیتی و اقتصادی موسسات بین المللی نیز در اختیار همین ها قرار دارد. اسناد افشا شده محرم دیپلماتیک ایالات متحده امریکا نشان می دهد که کرزی از جانب حلقه های داخلی خود ضعیف و در برخی از مواقع بی توجه به نیک و بد خوانده شده است.

### چپاولگران در چپاولخانه وطن



از خانواده ی کرزی و احمدزی تا معاونانش متهم به فساد اداری بودند، اما تاهنوز کسی در پیوند با فساد اداری محاکمه نشده است. کرزی و احمدزی با اعضای خانواده و معاونانش شماری از بانک ها را تاراج کرده اند اما هیچ یک از آنان به دادگاه کشیده نشده اند. در همین حال وی موضع گیری در برابر ارتشا و فساد را در برابر وزیر مالیه قابل توجه می دانند. پس از افشای حساب های بانکی وزیر مالیه و چگونگی واریز شدن پول های بانکی به حساب وی در چند سال گذشته رییس مجلس سنا موضع گیری اداره مبارزه با فساد اداری را در برابر وزیر مالیه پرسش برانگیز می داند و از کوتاهی شورای ملی در بررسی این دوسیه انتقاد کرده اند. نمایندگان خواهان ارائه ی معلومات درست و شفاف از سوی حکومت در مورد این پول ها شده بودند: زاخیلوال باید در این مورد به مردم افغانستان پاسخگو می بود. نیویارک تایمز می نویسد که گمرک عمده شمال در چنگ عطا محمد و گمرک سپین بولدک در چنگ جنرال عبدالرزاق قوماندان امنیه قندهار است، اما ما عمدتاً آن را سند فساد شخص زاخیلوال می دانیم چون اگر او خود در این خیانت ملوث نمی بود، هرگز سرمایه ملی به این پیمانیه وسیع توسط زیردستانش به یغما نمی رفت. این اسناد نتیجه بررسی و تحقیق هیات مشترک اداره امنیت ملی، لوی څارنوالی و ریاست عمومی نظارت و مبارزه علیه فساد از دوبردر حیرتان و تورخم و

گمرک‌های بلخ و ننگرهار است. این تحقیق به درخواست اداره مبارزه علیه فساد اداری و فرمان ریاست جمهوری افغانستان صورت گرفته است.

مردم چگونه زنده گی می گذرانند؟؟؟



آیا؟  
بنی آدم  
اعضای  
یکدیگرند



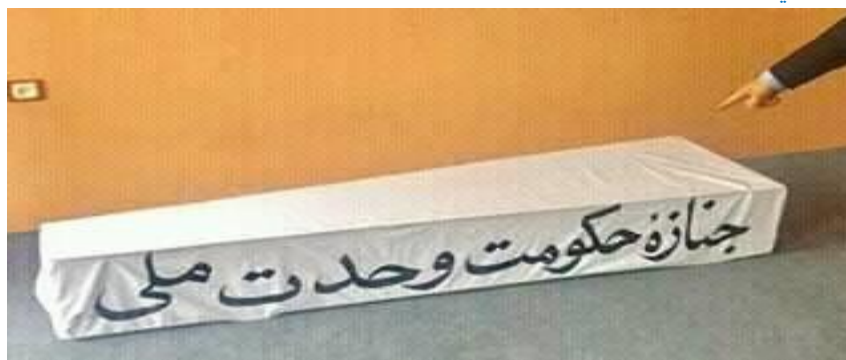
«اساس پدر»

دخترک از پدر پرسید: پدر جان چه وقت خوشحال میشوی؟  
پدر گفت: وقتی لیخند روی لبانت ببینم...  
دخترک پرسید: چه وقت ناراحت میشوی؟ پدر گفت: روزی که دست خالی به خانه برگردم  
دخترک گفت: پدر جان دست خالی که آمدی من میخندم تا تو خوشحال شوی.

به اساس ارقام کشورهای غربی که بسیار محتاطانه و محافظه کارانه است حدود ۴۰۰۰۰۰۰ کودک در کشور مشغول گدایی هستند و تنها در شهر کابل بیشتر از ۴۰۰۰۰۰ کودک روزانه ده ساعت به کار طاقت فرسای بدون رخصتی مصروف اند که ۲۰٪ آن را دختران و ۸۰٪ آن را پسران تشکیل می‌دهد. عاید روزانه اینان کمتر از یک چهارم دالر می باشد. اینان اکثراً به خرده فروشی، سگرت فروشی، ترکاری فروشی، دستگردانی و غیره روز میگذرانند و تعدادی هم به کار جمع آوری استخوان انسانها از گورستان ها و جمع آوری کاغذ و آهن‌باب هستند که تا حال تعداد قابل توجهی از آنان قربانی مین‌های ضد پرسنل شده اند.

اما از همه مصیبت بار تر وضعیت کودکانی است که در زباله های شهر سرگردان اند. اینان صبح وقت در هوای سرد زمستان در تکه‌های کهنه و فرسوده ی بنام لباس خود را می پیچانند و با بیقراری از وزش سرما در انتظار سطل زباله ی هستند که در کوچه‌ها ریخته می شود. وقتی فردی سطل زباله اش را خالی می‌کند با تعجب می بینی که کودکان و سگهای ولگرد یکجا به طرف زباله هجوم می آورند. طبعاً سگها پیشی می گیرند و کودکان با فریادها و تهدیدها به زحمت قادر می‌شوند سگهای گرسنه را از آنجا برانند و خود مصروف پالیدن شوند. این کشمکش به بازی روزمره کودکان و سگان مبدل شده و هر دو به آن سخت عادی شده اند. و اما کودکان در زباله های شهر تجاوز دیده‌ی ما چه می خواهند؟

استخوان؟ ابداً. چون با معاش ماهوار صد هزار افغانی صرفاً می توان سه کیلو گوشت خریداری کرد.  
گرسنگی و بی نانی بیداد می کند



درکشور بعضی ها از برکت سیلاب دالرصاحب شرکت های هوایی و آسمانخراش ها در دوبي و سينگاپور شدند مگر خيمه نشينان اين شهر با شكاييت از دشواری های زندگی در فصل زمستان از دولت می خواهند آنها را کمک کنند ليکن متاسفانه دولت آنها را به باد فراموشی سپرده است و زمانی آنها را به ياد می آورد که از کشورهای خارجی بنام آنها تقاضای کمک می کند.

میوه فی چارک کمتر از ۱۲۰۰۰ افغانی نیست که به استثنای تفنگ بدستان خاین کسی توان خرید آن را ندارد. کودکان در زباله‌ها صرفاً چیزهای می‌یابند که می‌توانند در سوخت از آن کار بگیرند. آمار غربی تعداد کودکان مکتب نرفته را ۴۰٪ می‌داند ولی رقم واقعی به مراتب بیشتر است. زیرا امروز در کابل کودک هر فامیلی اگر کار نکند باید از گرسنگی بمیرد. با معاش نان آور خانه می‌توان ماهانه جمعاً صد قرص نان خرید که به مشکل تنها شکم یک نفر از آنان سیر می‌شود. کودک باید درس نخواند و نان خشک خود را خودش کمایی نماید. و اگر شوق تحصیلی دارد یا باید آن اشتیاق را در خود بُکشد و یا اینکه شبها گرسنه بخوابد.

مشکلات مردم فقیروبی بضاعت فراتر از هر مشکلی است در هر طرف که نظر افکنیم مردم را دچار انبوه مشکلات و نابسامانی‌های می‌یابیم که در زندگی خویش با آن دست و گریبان است و زندگی امروزی را با تحمل صدها رنج و مشقت به فردا میرساند، فردای نامعلوم و بی‌سرنوشتی. با وجود اینکه مهاجرت و زندگی در زیر چادر (خیمه)‌ها در هر فصل سال به خصوص در روزهای سرد زمستان مشکل است با آنهم تعدادی از خانواده‌ها از روی اجبار و یا هم بخاطر جلب کمک‌های سازمانهای امداد رسان در زیر خیمه‌ها زندگی می‌کنند. با وجود سرازیر شدن میلیاردها دالر کمک خارجی به افغانستان هنوز هم هزاران خانواده مهاجر در شهر کابل در زیر خیمه‌ها زندگی می‌کنند.

### مهاجرت در داخل وطن



جنگ و ناامنی در شماری از ولایت‌های کشور، از جمله جنوب و شمال شرق کشور، باعث آوارگی هزاران خانواده به مناطق فقیر نشین شهر کابل و شماری از شهرهای بزرگ دیگر، شده است. گزارش‌ها می‌رساند که شماری از کودکان آواره بر اثر سرمای شدید زمستان جان خود را از دست داده و گفته می‌شود که این خانواده‌ها از نظر اقتصادی با مشکلات زیادی روبرو هستند.

بیش از هزار دو صد فامیل در نزدیکی چهار راهی قنبر در زیر خیمه زندگی میکنند، اینها مهاجرانی هستند که طی این سالها از عدم امنیت و گاهگاهی جنگ‌های که در ولایات ناامن از جمله ولایت هلمند و قندهار صورت گرفت به کابل آواره و در زیر خیمه‌ها مسکن گزین شده‌اند، اگر گذری در این خیمه‌ها داشته و وضعیت زندگی امروزی این مهاجرین را مشاهده کنیم در مییابیم که وضعیت زنده‌گی مهاجرین (خیمه‌نشین) تا به چه حد خراب است. مردان و زنان جوان بیکار، در کنار دیوارها نشسته و هیچ برنامه‌ای برای زندگی ندارند، تنها به کمک‌های که از سوی نهاد‌های خیریه و تاجران کشور برای شان مساعدت می‌گردد چشم دوخته‌اند، کودکانی معصومی دیده میشوند که بدون داشتن لباس مطلوب، پاپوش در چنین هوای سرد و نمناک زمستانی مشغول سرگرمی و خاک بازی‌اند. همچنان در نزدیکی مرستون کابل به تعداد بیش از پنجاه فامیل دیگر در زیر خیمه‌ها با وضعیت مشابه روبرو هستند، در جریان صحبت‌های که با مردم در این کمپ داشتم همه فقط تقاضای کمک از دولت و نهاد‌های خیریه را مطرح میکردند و در پاسخ به هر سوالی میگفت که شما خود ببیند که ما هیچ چیز نداریم و دولت باید با ما کمک کند، منظورشان کمک‌های اولیه از قبیل مواد غذایی، البسه و هم ادویه بود، اما در قسمت ایجاد اشتغال و یا هم توزیع زمین جهت اسکان شان در زمین‌های دولتی هیچ نظری نداشتند.



اینجاست که نهاد های مسئول باید در نخست برای خیمه نیشنان زمینه کار را مساعد سازد و ثابا در قسمت اسكان اینها، توزیع زمین و یا هم برگشت شان به ولایات شان اقدام گردد در غیر آن سرنوشت کنونی این مهاجرین با وضعیت محقر و خرابی که روبرو است افزایش یافته و کمکهای که به ایشان صورت میگیرد افراد جوان مهاجرین کمپ یاد شده را به بیکاری تشویق مینماید.

چادر بانوان باشرف تراز لنگی و نکتایی غنی احمدزی است



از لنگی ، از پتوی سرشانه و از نکتایی که بخاطر وطنفروشی و معامله می پوشند ، چادر هزار بار شرف دارد و از آدمهایی روانی ، بیمار و لنگ و لاشی که هر روز در پی توطئه و خیانت روز می گذرانند و جنایت می افریند و بانوانی که بی امان و باشهات بخاطر وطن و مردمش می رزمند ، قابل افتخار و زیب و زینت جامعه است .

این بار اول نیست که غنی چتیا میگوید و یاوه سرایی می کند و در گذشته نیز گلهای زیادی را به آب داده است. غنی، هر چند تا کنون بیشتر در حوزه مسایل دینی، مرتکب اشتباهات فاحشی شده است اما اشتباهات غیر دینی او نیز کم نیستند بگونه نمونه به چند مورد از اشتباهات آشکار او می توان اشاره کرد:

\_\_ غنی از زمان تصدی پست ریاست جمهوری، نخستین شهید اسلام یعنی «بی بی سمیه» (رض) را، «بی بی نسیمه» و «امام حسین» (رض) را «نواسه خدا» خواند.

برای «حضرت عمر» جمله «جلّ جلاله» را به عوض جمله «رضی الله عنه» به کار برد .

\_\_ در سفر حج افزون بر آنکه در نماز، دست چپ اش را بر روی دست راست اش گذاشت، حتی عبارات عربی را که یکی از شیوخ عرب به او تلقین می کرد درست ادا کرده نتوانست؛ هر چند شیخ چندبار آن جملات را تکرار کرد اما نشد که نشد .

\_\_ غنی یکبار در نماز جنازه به رکوع رفت و بار دیگر در جنازه فرمانده قول اردوی ظفر در هرات، بجای دعا برای میّت، نیت نماز کرد و دستان اش را به گوش های خود گرفت؛ در حالیکه امام و مقتدیان مشغول دعا خوانی بودند .

\_\_ غنی یکبار در حضور حسن روحانی رییس جمهور ایران، او را رییس جمهور اسلامی افغانستان خواند .

\_\_ باری مردم را برای بارش باران، به خواندن نماز تهجد تشویق کرد.

\_\_ در جایی برای شفایابی یکی از رهبران، مردم را به خواندن نماز استسقا دعوت کرد .

\_\_ او همچنان در این اواخر در یک نشست با افسران اردو، در مورد رسانه ها گفت رسانه ها باد می زنند و شما بم می زنید. افزون بر این رییس جمهور غنی گاهی از بکارگیری کلمات رکیک و خلاف عرف و ادب جامعه نیز پرهیز نکرده است؛ هر چند در خواندن و ادای درست برخی از کلمات و اصطلاحات در متن هایی که قرائت کرده نیز دچار اشتباه آشکار شده است.

گرچه تاکنون سعی شده تا برای این همه اشتباهات غنی، روپوش «اشتباه لفظی» گذاشته شود اما بنظر می رسد که کثرت تکرار اشتباهات او بیانگر این واقعیت است که غنی از ثبات ذهنی و تسلط فکری لازم برخوردار نیست و در مسایل دینی و شرعی کاملاً ناآگاه است. تا جاییکه می توان گفت ذهن غنی با اصول و اساسات شرعی و دینی و حتی مسایل ابتدایی دین، مانوس نیست و در این حوزه خالی الذهن می باشد.

سخنان غنی اشتباه لفظی نیست ، مشکل روانیست



عمده ترین اشتباهات غنی در جریان نشست مشترک خبری با رئیس جمهور ترکمنستان در کابل:

اشرف غنی بدلیل مصرف دوا برای مداوای پایش نهایت گیج و گنس بود.

ماشرف غنی بارها به جای اینکه ترکمنستان بگوید، از تاجکستان نام برد.

اشرف غنی بجای اینکه قربان قلی بیردی محمد اوف بگوید؛ علی قلی بیردی محمد اوف گفت.

خبرنگار را دعوت کرد اما اجازه پرسش را به آنان نداد.

ترجمان که استخدام کرده بود، کاملاً بی سواد بود و توانایی ترجمه کردن را نداشت.

وزیران حکومت اش ساکت بودند و تنها چک می زدند در حال که وزیران ترکمنستان مصروف نوشتن و یادداشت صحبت

های غنی شان بودند. به امید سلامتی ویا دیوانگی مطلق غنی احمدزی.

معذورت خواهی شیوه ی شده به غنی .

قبلاً نیز شرف غنی، به خاطر خطای گفتاری در یکی از بیانیه هایش از مردم عذرخواهی کرد.

غنی در سخنرانی اش به مناسبت روز عاشورا به گونه اشتباهی امام حسین را به جای نواسه پیامبر نواسه خدا عنوان کرد.

این مسئله واکنش های شماری از مردم را در برکه های اجتماعی برانگیخته بود.

اگر بند نکنم بچه آدم نباشم.

بچه خر! افغانستان در قرن ۱۳ بر نمی گردد.

اشتباه خواندن شعر اقبال لاهوری در پاکستان.

بسیاری از مردم به این باور هستند که پرخاش گری و عصبیت غنی زبیده کسی که ادعای زعامت و رهبری را دارد،

نیست. اشرف غنی در جای یک فرد و شهروند عادی قرار ندارد که بشود با مهملاتی که چیز نویسانش در فضای مجازی

تلاش می کنند، سخنان او را تحریف شده بخوانند و دیگران را به سوء تعبیر کردن حرف های غنی متهم کنند و او را تیره

نمایند. این ادبیات از آدرس مهم ترین مقام حکومت، می تواند کارد آن ریش و بروتی های را که در مقام به اصطلاح

مردانگی زنان را در پستوی هزار تایی تیره ببرند و خویش بخرند و بروی زنان شمشیر بکشند.

کابل و عربستان افغانان رابه جنگ یمن می فرستد

( گلبدین درمشوره با ارگ بخاطر اعزام جنگجویان به عربستان رفته است )



منابع امنیتی گزارش می دهند که هزاران تن از افغان ها برای جنگ های نیابتی در حمایت از عربستان سعودی به یمن فرستاده شده اند. اما به دلایل حمایت افغانستان از عربستان سعودی این موضوع رسانه ای نشده است.

پیش از این در بیستم جنوری سال ۲۰۱۶ میلادی بی بی سی در گزارشی از فرستاده شدن صدها تن از افغان ها به جنگ یمن خبر داده بود، با یک تن از افرادی که هفت عضو خانواده اش به یمن برای جنگ با حوثی ها رفته بود، مصاحبه شده بود. وی اظهار کرده بود که افغان ها به بهانه زیارت حج به عربستان فرستاده شده و بعد از آن برای اشتراک در جنگ یمن به این کشور رفته اند. وی در این مصاحبه خویش گفته بود از روستای محل زندگی شان بیش از ۵۰ تن به این کشور عربی اعزام شده اند. وی ثبت نام کرده است تا به جنگ عربستان علیه یمن فرستاده شود، به او گفته شده بود که قبله مسلمانان در عربستان با خطر مواجه شده است.

این گزارش با آنکه عواقب خطرناک این جنگ نیابتی را برملا ساخته بود از سوی دولت افغانستان نادیده گرفته شد و عبدالله عبدالله رییس اجرایی نیز با نشر اعلامیه حمایت دولت را از عربستان در جنگ یمن اعلام کرد.

اکنون که بحث جنگویان افغانستان در جنگ های نیابتی در یمن بالا گرفته است، هزاران تن از ولایت های چون ننگرهار، کنړو دیگر ولایات جنوبی توسط ملایان تحت حمایت عربستان در افغانستان ثبت نام و به جنگ یمن و سوریه فرستاده می شوند. این منبع اطلاعاتی گفته است که علاوه براین، حزب اسلامی گلبدین حکمتیار نیز صدها تن از جنگویانش را در جنگ سوریه، عراق و یمن فرستاده است. به نقل از این منبع اطلاعاتی؛ پیش از اینکه گلبدین حکمتیار به پروسه صلح ببینند با ابوبکر البغدادی بیعت کرده بود و صدها تن از جنگویانش را برای حمایت از داعش در سوریه و عراق فرستاده بود. این در حالیست که در تاریخ هفتم آپریل سال ۲۰۱۵ میلادی یکی از سخنگویان حزب اسلامی گفته بود، حزب اسلامی به رهبری گلبدین حکمتیار اعلام کرده که آماده است صدها نفر از اعضای گروهش را برای حمایت از عربستان سعودی به یمن بفرستد. در اوایل سال ۱۳۹۴ نیز ریاست جمهوری در حمایت از عربستان در جنگ یمن با انتشار بیانیه ای گفته بود افغانستان در دفاع از سرزمین مقدس حرمین شریفین با تمام نیرو در کنار دولت و مردم برادر و مسلمان کشور عربستان سعودی، در صورت بروز هر نوع تهدید قرار دارد.